

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان: زلزله؛ گسل! یا گناه؟

گروه ۱۱: پاسخ های مربوط به موارد دیگر

شماره: ۴

نوع پاسخ: نوشتاری و صوتی

-پاسخ صوتی را در پایین متن دریافت نمایید.

تاریخ ثبت: سی ام بهمن ماه هزار و چهارصد و یک

سؤال:

با توجه به زلزله های متعدد اخیر و خصوصاً زلزله مهیب ترکیه و سوریه که منجر به مرگ ده ها هزار نفر و زخمی شدن چندین برابر افراد، و ویران شدن هزاران خانه و کاشانه شده است، و این که سعی بر این است که این موضوع اصالتاً یک رویداد طبیعی و مربوط به فعالیت گسل های زمین معرفی شود، چه می فرمایید؟

پاسخ نوشتاری:

چنین نسبتی چه از لحاظ دیدگاه مستقل عقلانی و چه از لحاظ متون مسلم اسلامی مردود است؛ و از هر دو طریق ثابت می شود که هیچ رویداد طبیعی نیز در زمین و آسمان نمی تواند بدون اراده و تقدیر و خواست و اجازه خالق آن دو، به وقوع بپیوندد.

الف- دیدگاه مستقل عقلانی:

اگر کسی منکر مخلوقیت و مورد اداره بودن آسمان و زمین توسط خالق مدبر آن باشد، همانطور که از جمله در اولین نوشتار این وب سایت در پاسخ های مربوط به حقانیت توحید (گروه ۱) دیدیم، ناروا بودن اعتقادش در نزد صاحبان خرد از مشاهده خورشید در نیمروز یک روز غیر ابری در وسط آسمان واضح تر است.

از این موضوع که بگذریم، به فرض که فرضیه مرتبط بودن وقوع زلزله به فعالیت نوعی از شکاف ها و شکستگی های پوسته زمین که موسوم به گسل می باشند، صحیح و قطعی باشد؛ مگر نه این است که این گسل ها و فعالیت شان نیز توسط خالق آسمان و زمین مقدر گردیده و در تحت اداره و تدبیر او هستند؟

و اگر کسی منکر این تقدیر و منکر این تدبیر و اداره باشد، به خالق ناتوانی معتقد است که خود بر امور مخلوقات خویش تسلط و احاطه ندارد؛ و این سخنی ناروا و امری محال است؛ و کدامین عقل سلیم می پذیرد که آن خداوندی که آسمان و زمین را با این نظم عجیب و تدبیر والا خلق و اداره نموده و هر چیز را در جایگاه صحیح خود قرار داده است، و حتی چگونگی حرکت یک گلبول را در منافذ باریک و لطیف حکیمانه مقدر نموده است؛ زمینی را آفریده باشد که در آن گسل هایی تشکیل شود که کنترل آنها از دست خودش خارج باشد!

و باز با فرض صحت فرضیه ارتباط وقوع زلزله با فعالیت گسل ها، پرداختن به شناسائی مکان گسل ها و به کار بردن تدابیری در اطراف آنها عوض از بین بردن دلیل اصلی آن؛ مانند آن است که کسی چون می بیند که محکومین به اعدام عموماً به طناب دار آویخته می شوند، عوض پرهیز دادن دیگران از اعمالی که منجر به اعدام آنها می شود، مذبحخانه تمهیداتی برای نجات احتمالی از طناب دار پس از محکومیت ببندیشد و آن را به دیگران توصیه نماید و به افراد بگوید: به طناب دار نزدیک نشوید تا از اعدام در امان بمانید!

مضافاً براینکه اصل این فرضیه نیز مانند بسیاری دیگر از فرضیه‌هایی از این قبیل صد در صد ثابت نیست؛ و طبق مآخذ، مثلاً برای زلزله مهیب و مهلک طیس در ۲۵ شهریور سال ۱۳۵۷ شمسی گسلی شناخته نبود و منطقه به عنوان یک منطقه نسبتاً امن از این نظر جزء مناطق با خطر نسبی متوسط پهنه بندی شده بود و با قدمت چهار هزار ساله‌ای که داشت چنین اتفاقی را به خود ندیده بود؛ که برای توجیه آن گفته شد که گاهی ممکن است زلزله بر روی گسل‌های ناشناخته اتفاق بیفتد، و سپس گسل‌های عمیق مختلفی در اطراف آن تعریف شد.

(از جمله مراجعه شود به نوشته سال ۱۳۹۵ پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله، تحت عنوان: زمین لرزه ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ (۱۶ سپتامبر ۱۹۷۸) طیس).

و مقاله "گسل چیست؟ - انواع و ویژگی‌ها- به زبان ساده" مجله فرادرس، با آدرس اینترنتی (<https://blog.faradars.org>)

ب- متون مسلم اسلامی:

خداوند قادر و حکیم در آیه ۹۶ سوره اعراف، می‌فرماید:

«و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و از مخالفت با دستورات الهی پرهیز می‌کردند، بدون شک ما نعمت‌های پایداری را از آسمان و زمین به روی آنها می‌گشودیم، و لکن تکذیب کردند و ما هم آنها را به سزای آنچه که انجام می‌دادند گرفتار ساختیم.»

سپس پس از آنکه در سه آیه بعد در امان دانستن خودشان از عذاب الهی را از برای مردم نافرمان نکوهش می‌کند، در آیه ۱۰۰ می‌فرماید:

«آیا برای کسانی که پس از ساکنین (قبل‌الاش) زمین را به ارث می‌برند (و در آن ساکن می‌شوند) این مطلب روشن نشد که ما اگر بخواهیم آنها را (نیز) به سزای گناهان‌شان می‌رسانیم...»

و در آیه ۳۰ سوره شوری، می‌فرماید:

«و هر بلا و امر ناگواری که به شما می‌رسد به خاطر دست آورد (گناهان) خودتان است، و او بسیاری را می‌بخشد.»

و در آیه ۱۱ سوره انبیاء، ظلم مردمان شهرها و آبادی‌ها را به عنوان شاخص در هم کوبیده شدن و نابودی آنها ذکر نموده و می‌فرماید:

«و چه بسیار شهر و آبادی را که (مردمان آن) ظالم و ستمگر بودند در هم شکستیم و بعد از آنها گروهی دیگر را پدید آوردیم.»

و در تہذیب (ج ۳ ص ۱۴۸) امام صادق در حدیثی می‌فرماید:

«هنگامی که زنا شایع شود زلزله‌ها پدیدار و فراوان می‌شود.»

و در کتاب جامع الاخبار (ص ۱۸۰) از پیامبر صلی الله علیه و آله، که در حدیثی در مورد عقوبت‌های اُمّت‌شان در مقابل اعمال زشت آنها، از جمله می‌فرماید:

«و هنگامی که ربا فراوان گردد، زلزله فراوان خواهد شد.»

و در کتاب من لایحضره الفقیه (ج ۱ ص ۵۴۳ ح ۱۵۱۴) امام صادق علیه السلام در پاسخ به ماهیت زلزله، آن را علامت و اندرز دهنده معرفی می کنند، و در مورد وسیله وقوع آن می فرمایند:

«خداوند تبارک و تعالی به بیخ و ریشه های زمین فرشته ای را گمارده است؛ و خداوند هنگامی که اراده می نماید که زمینی را بلرزاند، به آن فرشته وحی می کند که فلان و فلان بیخ و ریشه را تکان ده؛ و در این هنگام آن فرشته بیخ و ریشه همان زمینی که خداوند تبارک و تعالی دستور داده است را تکان می دهد، و آن زمین با اهلس به لرزه می افتد» .

نتیجه:

پس زلزله هم مانند هر اتفاق خوشایند و ناخوشایند دیگر در آسمان و زمین، هرگز جز با خواست و اراده و اجازه خداوند قادر حکیمی که هیچ برگ درختی جز با علم او فرو نمی افتد، ایجاد نمی شود؛ و علت ریشه ای وقوع آن از جانب خداوند ارتکاب گناهان و نافرمانی ها توسط مردم است، تا به این وسیله هشدار یابند و از گناهان فاصله بگیرند؛ همانطور که امام صادق در حدیث معروف به توحید مفضل (بحار الانوار ج ۳ ص ۱۲۱) ، از جمله می فرمایند:

«بدون شک زلزله و امثال آن اندرز دادن و بیم دادنی است که مردم به وسیله آن بیم داده می شوند، تا رعایت کنند و از گناهان باز ایستند» .

و فرضیه های مربوط به علت های ظاهری مانند فرضیه فعالیت گسل ها، به فرض صحت نیز فقط می توانند سببی باشند که خداوند برای اجرای این امر مقدر فرموده است، و هرگز علت اصلی نیستند. همانطور که هرگز به این دلیل که اعدام ها غالبا با طناب دار انجام می شوند، هیچ عاقلی نمی تواند حضور در نزد طناب دار را علت ریشه ای اعدام شدن بداند؛ و دیگران را عوض اجتناب از ارتکاب جرم از نزدیکی به طناب دار پرهیز دهد و...

و باز ذکر می شود که طبق نصوص قرآن از جمله در آیات ۴۲-۴۳ سوره انعام، خداوند رحمان این قبیل هشدارها و گرفتاری ها را که به دلیل تمادی بندگان در گناهان و انحراف آنها از مسیر نجات به سوی هلاکت ابدی نازل می کند؛ برای آن است که بندگان به خود آیند و با خضوع، دعا و زاری و توبه و انابه نمایند، و به مسیر نجات و راه منتهی به نعمت های ابدی برگردند.

همانطور که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در حدیثی در کتاب خصال (ج ۲ ص ۶۲۴)، می فرمایند:

«هیچ نعمت و طراوت و نیکویی زندگانی ای زوال نمی یابد مگر به خاطر گناهانی که مرتکب شده اند، و هرگز خداوند ستمگر نسبت به بندگان نیست؛ و اگر ایشان پیش از وقوع آن به دعا و توبه و انابه بپردازند آن نعمت و طراوت و نیکویی زندگانی از بین نخواهد رفت؛ و اگر هنگامی که عقوبت بر آنها فرود می آید و نعمت ها زوال می یابد نیز با صدق نیت های شان به درگاه خداوند عزوجل پناه برده و از او استغاثه نمایند و سستی نورزند و از حد تجاوز ننمایند، باز هم بدون شک خداوند تمام تباهی ها و خرابی ها را از برای آنها اصلاح می کند و تمام خوبی ها و شایستگی ها را به ایشان بر می گرداند» .

البته بایستی توجه داشت که هشدارهایی مانند زلزله، هرچند به دلیل ارتکاب گناهان است، ولی با عذاب های ریشه کن کننده که در آن پیامبران خود و پیروان شان را بیرون می بردند، و فقط مخالفین هلاک می شدند و بعد هم فقط به عذاب ابدی می رفتند، متفاوت است.

و اگر کسی بگوید: چرا گاهی این عقوبت ها در مورد کفار و بلاد آنها کمتر از مسلمین است؟ در پاسخ به این مورد، او را به مقاله دیگری در همین وب سایت تحت عنوان "اگر بلاهای طبیعی و گرانی عقوبت است چرا کفار در امانند" ، تحت شماره سوم همین گروه یازدهم، یعنی پاسخ های مربوط به موارد دیگر، ارجاع می دهیم.